



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

خراسان) تولد یافت و در چهارم شعبان سال ۴۴۰ هجری پس از هشتاد و یک سال و چهار ماه درگذشت، نه تنها استاد دیرین شعر صوفیانه فارسی بشمار است بلکه صرف نظر از رودکی و معاصرینش میتوان او را از مبتکران رباعی که زاینده طبع ایرانی است دانست. ابتکار او در این نوع شعر از دولحاظ است. یکی آنکه وی اولین شاعری است که شعر خود را منحصرأً بشکل رباعی سرود، دوم آنکه رباعی را برخلاف اسلاف خود نقشی از نوزد که آن نقش، جاودانه باقی ماند. یعنی آنرا کانون اشتعال آتش عرفان و وحدت وجود قرارداد و این نوع شعر از آن زمان نمودار تصورات رنگین عقیده به خدا در همه چیز بوده است، **اولین بار در اشعار اوست که کنایات و اشارات عارفانه بکار رفته،** تشبیهاتی از عشق زمینی و جسمانی در مورد **عشق الهی** ذکر شده و در این معنی از ساقی بزم و شمع شعله ور سخن رفته و سالک راه خدا را عاشق حیران و جویان، میگسار و مست و پروانه دور شمع نامیده که خود را به آتش عشق می افکند. در بعضی تذکرها از آن جمله مجمع الفصحا و ریاض العارفین و کتابهای دیگر رباعیاتی بنام شیخ ابوسعید ابوالخیر اسناد شده، ولی در کتاب اسرار التوحید که در اواخر قرن ششم هجری از طرف محمدمنور نوه او تألیف یافته و نزدیکترین و معتبرترین کتاب درباره اوست، نسبت شعر سرودن را به شیخ رد کرده و فقط رباعی معروف زیر را از او دانسته است:

**جانا به زمین خاوران خاری نیست      کش با من و روزگار من کاری نیست**

**با لطف و نوازش و مثال تو مرا      در دادن صدمه زار جان عاری نیست (۱)**

شادروان استاد سعید نفیسی نوشته است از طرف دیگر نسبت اینهمه رباعی به شیخ در کتابهای متفرقه ایجاد تردید میکند (۲).

### رهبران فکری و معاصران ابوسعید ابوالخیر

اولین شخصی که تحت تأثیر شیخ واقع شد، و با تلقین او به سر وحدت الهی تقرب جست همانا شیخ ابوالقاسم یاسین صوفی از همان مهنه بود، در تذکرةهای مختلف يك رباعی از او بازمانده که در نمودار ساختن این نوع فکر شاعر تأثیر عمیق پایداری میکند. بموجب اقوال صوفیان وی توسط لقمان سرخسی که درویش زولیده‌یی بود بخدمت **شیخ ابوالفضل بن محمد سرخسی** رسید، و تحت ارشاد وی درآمد، و بعدها از نفعات شیخ ابوالعباس احمد بن محمد بن محمد بن عبدالکریم قصاب آملی کسب فیض نمود، و بدست **عبدالرحمن سلمی** (یا بقول بعضی ابو عبدالرحمن سلمی) خرقه پوشید. برای ابوسعید مرشدی بهتر از این شخص نمی شد تصور کرد. **ابوالفضل سرخسی** که در سال ۴۱۴ هجری درگذشت، پیر و پیر خود یعنی ابونصر سراج بود که در سال ۳۷۸ هجری در طوس درگذشت و او راهم **طاووس الفقراء** مینامیدند، و کتابی در باب تصوف تصنیف کرده، این **ابونصر سراج** تربیت یافته **ابومحمد مرتضی شیرازی** متوفی در بغداد به سال ۳۲۸ هجری) بود که خود او نیز از شاگردان **شیخ جنید بغدادی** (متوفی در ۲۷ رجب سال ۲۹۷ هجری) محسوب است.

۱- اسرار التوحید چاپ تهران صفحه ۱۶۶

۲- سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر تألیف سعید نفیسی چاپ تهران

قصاب آملی نزد عبدالله طبرستانی تعلیم یافت که وی نیز توسط **ابومحمد جریری** (متوفی در سال ۳۱۲ یا ۳۱۴ هجری) و شاگرد معروفش **جنید بغدادی** ارشاد شد. اما سلمی که در شعبان سال ۴۱۲ هجری وفات یافت مؤلف دو کتاب نفیس به عربی موسوم به **(تفسیر حقایق)** و **(طبقات الصوفیه)** است و او هم اقوال خود را به جنید میرساند. زیرا معلم او **ابوالقاسم نجم آبادی** (که در سال ۳۶۷ یا ۳۷۲ هجری درگذشته) و عمر با تقوای خود را در مکه پایان آورده، خود توسط شاگرد جنید یعنی ابوبکر شبلی (متوفی در ذی الحجه سال ۳۲۴ هجری) به جهان برین عرفان دلالت شد.

راستی چه تفاوت عظیمی است بین باباکوهی و ابوسعید که چطور یک مسلک خداجویی ساده تحت نظر پیران طریقت به یک عرفان متعالی مرتب و مدون تحول یافت. در این موقع مناسب است از یک عارف نامی دیگر این عصر که در سال ۴۲۵ هجری به سن ۷۳ درگذشته ذکر کنیم، این شخص **شیخ ابوالحسن علی بن جعفر الخرقانی** است که بیانات عرفانی او در کتابی بنام **(نورالعلوم)** که نسخه منحصر بفرد آن در موزه بریتانیا موجود است باقی مانده و در اکثر تذکرها رباعیاتی به او نسبت داده شده است.

### عقاید شاعرانه و شیوه فکری ابوسعید ابوالخیر

بدیهی است در عقاید شاعرانه ابوسعید مطالب مبهم و تاریک موجود است و تعیین خط مرز میان عشق زمینی و آسمانی و بین مستی می، و مستی عشق الهی بسی دشوار است.

در هر صورت از رباعیهای ابوسعید، نور تصوف واقعی می درخشد، مانند اعراض از علایق زمینی و صرف نظر از لذات هردو جهان و استخفاف نسبت به رسوم ظاهری ادیان و مذاهب و تقدیس مجاهدات آزاد مردان راه خدا که در نظر آنان کعبه و بتخانه و خالق و خلق یکیست، و عقیده به وحدت کلی و اعتقاد به اینکه این مظاهر کثیره در عالم ازل با ذات حق یکی بوده اند، و جدایی و کثرتی وجود نداشته است. باید این راهم گفت که میان سرودهای ابوسعید گاهی احساسات عمیق مؤثری مشهود است که نمونه کامل حکم و امثال و نغمه های شاعرانه است.

### ملاقات تاریخی ابوسعید ابوالخیر و ابوعلی سینا

میان مردم سرشناس متعدد که ابوسعید با آنان مشافهه یا مخابره داشت، آنکه برای ما بسیار جالب توجه است همانا طبیب و حکیم بزرگوار **ابوعلی بن سینا** است که در سال ۳۷۳ هجری نزدیکی بخارا تولد یافت و در سال ۳۲۸ هجری در همدان، این جهان را بدرود گفت. وی گذشته از تالیفاتش به عربی که معروف جهان است، چند اثر شاعرانه که بیشتر جنبه تفنی دارد بفارسی از خود بیادگار نهاده و آن چند رباعی و دوغزل در مدح شراب و یک قطعه است. در این رباعیات اولین بار طرز فکری آمیخته به شک و روح بدبینی ناشی از مطالعه فلسفه صحیح نوام با استغراق در اسرار تصوف با بیان نسبتاً معتدلانه‌یی به قالب عبارت شعر فارسی آمده، و در آن تمسخر و استهزای لطیفی بر ضد متدینان متعصب از طرفی و صوفیان مستغرق در جذب از طرف دیگر مشهود است و همین ذوق است که یک قرن بعد در زبان **حکیم عمر خیام نیشابوری** شاعر و منجم و ریاضی دان بزرگ ایرانی به کمال رسید. بموجب روایت **حمداالله مستوفی** در تاریخ

گزیده که در سال ۷۳ هجری تألیف یافته ، ملاقاتی بر حسب تصادف بین ابوسعید و ابوعلی سینا اتفاق افتاده و به روایت کتاب نورالعلوم که در باب زندگی و تعلیمات شیخ نوشته شده و کتاب اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید که در اواخر قرن ششم هجری از طرف محمدمنور (نوه شیخ ابوسعید از سه پشت) تألیف یافته . معارفه میان آن دو بموجب مخابره قبلی بعمل آمد که ابوعلی سینا به شیخ فرستاده بود (۱) داستان این ملاقات مهم تاریخی در روایات آمده و بعضی وقوع آن را مورد تردید قرار داده اند، قدیم ترین شرح آن در کتاب اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید ذکر شده است (۲) یکی از رباعیات منسوب به شیخ ابوسعید اینست:

در راه یگانگی نه کفر است و نه دین      يك گام برون ز خود نه و راه بین  
 ای جان جهان تو راه اسلام گزین      بامار سیه نشین و ، با خود منشین  
 مناسبت این رباعی با رباعی معروف منتسب به ابوعلی سینا :

کفر چو منی گراف و آسان نبود      محکم تر از ایمان من ایمان نبود  
 در دهر یکی چون من و آنهم کافر      پس در همه دهر يك مسلمان نبود

بعید بنظر نمیرسد که منظور نظرواقع شده باشد.

در باب سازش نکردن شیخ با حکیم ابوعلی سینا خبری روشن در دست نیست و حکایت ملاقات آن دو در اسرارالتوحید مشعر به اختلاف نظر نیست (۳) بعضی تذکره نویسان برای نمایاندن اختلاف میان شیخ ابوسعید و ابوعلی سینا این دو رباعی را آورده اند که گویا ابن سینا در استماع مواعظ شیخ گفته:

ماتیم به عفو تو تو لا کرده      وز طاعت و معصیت تبرا کرده  
 آنجا که عنایت تو باشد باشد      ناکرده چو کرده . کرده چون ناکرده  
 در اینجا شیخ ابوسعید در خشم و بالبداهه چنین جواب داده است:

ای نیک نکرده و بدبها کرده      وانگه به خلاص خود تمنا کرده  
 بر عفو مکن تکیه که هرگز نبود      ناکرده چو کرده . کرده چون ناکرده

بهر حال داستان دیدار ابوعلی سینا که استاد منطق و حکمت بود و از طریقه مشاء که پایه اش به دلیل عقلی است بحث میکرد، و شیخ ابوسعید ابو الخیر که ذوق اشراق داشت و معتقد بود که علم باید به مقام شهود رسد. در کتاب اسرارالتوحید اینگونه آمده است: اخواجه بوعلی باشیخ در خانه شد و در خانه فراز کردند و سه شبانه روز بایکدیگر بودند بخلوت و سخن میگفتند که کس ندانست، و نیز به نزدیک ایشان در نیامد مگر کسی که اجازت دادند و جز به نماز جماعت بیرون نیامدند . بعد از سه شبانه روز خواجه بوعلی بر فت، شاگردان از خواجه بوعلی پرسیدند: که شیخ را چگونه یافتی؟ گفت: هر چه من میدانم، او می بیند، و متصوفه و مریدان شیخ چون به نزدیک شیخ در آمدند. از شیخ سؤال کردند: که ای شیخ بوعلی را چون یافتی؟ گفت: هر چه ما می بینیم او میداند)

۱- تاریخ ادبیات فارسی تألیف هرمان اته آلمانی ترجمه دکتر رضازاده شفق صفحه ۱۳۶ - ۱۳۳

۲- اسرارالتوحید چاپ تهران سال ۱۳۱۳ شمسی صفحه ۱۵۹

۳- در باب مخابره و پرسش و پاسخ بین این شخصیت کم نظیر ایرانی به فهرست مصنفات ابن سینا تألیف یحیی مهدوی چاپ تهران ۱۳۳۳ شمسی صفحه ۱۱-۳ مراجعه شود.